

گویش‌شناسی اسامی خاص: رویکردی نوین در مطالعات گویش‌شناسی و نام‌شناسی: (مطالعه موردی: گویش سورانی، گونه‌های سردشتی و بانهای)

بهزاد احمدی*

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

«شاخه میان‌رشته‌ای» گویش‌شناسی اسامی خاص براساس رویکرد تنوع‌گرا و این باور پایه‌گذاری شد که نام‌ها صرفاً کارکردی ارجاعی ندارند، بلکه حاوی اطلاعاتی در مورد تنوعات جغرافیایی و اجتماعی و نیز هویت فرد هستند. معرفی این رویکرد علمی، هدف پژوهش حاضر است. روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌های تحقیق به صورت میدانی و با کمک افراد مطلع ساکن در روستاهای مختلف شهرستان‌های بانه و سردشت، دهیارها و معلمان این روستاها و نیز در مواردی با استفاده از اطلاعات و شم‌زبانی نگارنده گردآوری شده‌اند. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین دو گونه سورانی (سردشتی و بانهای) به لحاظ تلفظ برخی از نام‌های افراد تفاوت وجود دارد. در بررسی نوع نام‌گذاری، مشخص شد نام‌گذاری استعاره‌بنیاد با تکیه بر مفاهیم برگرفته از طبیعت در کردی سورانی جایگاه و نقش خاصی دارد. در بخش لقب‌گذاری برای افراد، با بررسی القاب به کار رفته در گونه بانهای مشخص شد ویژگی‌های ظاهری و رفتاری فرد مبنای لقب‌گذاری می‌است. در بخش نام‌گذاری حیوانات نیز مشخص شد گویشوران سورانی حیوانات اهلی را بر مبنای استعاری، مشخصات ظاهری و رفتاری نام‌گذاری می‌کنند. نام‌گذاری اماکن طبیعی در کردی سورانی بر اساس استعاره، مجاز، مشخصات ظاهری و ... و در مورد سکونت‌گاه‌ها بر اساس نام فردی شاخص، همجواری با چشمه‌ها و رودها و ... است. بررسی تنوع و گوناگونی زبانی در اسامی خاص در حوزه گویش سورانی نشان داد اسامی خاص می‌توانند از جنبه‌های مختلف از جمله گوناگونی جغرافیایی نام‌گذاری، تنوع جغرافیایی در تلفظ نام یکسان، نام‌گذاری استعاره‌بنیاد، لقب‌گذاری برای افراد، نام‌گذاری حیوانات و نام‌گذاری اماکن، شاخص مناسب و موضوع شایان توجهی در گویش‌شناسی باشند.

واژه‌های کلیدی:

گویش سیستانی
کشش واجی
خوشه دو همخوانی آغاز
پیشوند‌های فعلی
شناسه‌های فعلی
ساخت جمله دومفعولی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۰ آذرماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۱

* آدرس ایمیل نویسنده: bahmadi33@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

ریشه‌شناسی «dialect» به معنای گویش را می‌توان در یونانی باستان ردیابی کرد، که در آن کلمه *διαλεκτος* در ابتدا به گفتار، گفت‌وگو یا شیوه سخن‌گفتن اشاره داشت، اما بعداً در معنای گونه‌جغرافیایی یک زبان به کار می‌رفت. با این حال، زمانی که معنای گونه‌جغرافیایی را پیدا کردند، همان معنای امروزی‌اش را نداشت. تفاوت اساسی در این بود که گویش در تقابل با گونه‌معیار قرار گرفت. گونه‌معیار شکلی از زبان است که کاربرد و مقبولیت عام‌تری دارد و در تدوین اسناد رسمی یک کشور به کار می‌رود. در این‌جا ارجاع به کشور اهمیت دارد زیرا گونه‌معیار اصطلاحی مدرن است و اساساً بر ساخته مفهوم مدرن ملت-دولت^۱ است (هایکی^۲، ۲۰۱۸).

امروزه، اصطلاح «گویش» به گونه‌زبانی از نظر جغرافیایی یا اجتماعی متمایز اطلاق می‌شود که مشخصه تمییزدهنده آن واژگان و ساختارهای دستوری خاص آن گونه است (کریستال^۳، ۲۰۰۸). با این وجود، در گذشته نه چندان دور، کاربرد آن در تقابل با گونه‌معیار، یعنی گونه‌مرجح مورد استفاده در نوشتار، نظام آموزشی و خطابه‌های عمومی قرار می‌گرفت، معنای ضمنی منسوخ و از مد افتاده و نامناسب برای دوران مدرن را داشت، و دارای بار معنایی منفی و تداعی‌گر موقعیت اجتماعی پایین بود (فلیپیولا^۴ و همکاران، ۲۰۰۵). به عنوان نمونه، شعبانی (۱۳۹۹) اعتبار بالای زبان فارسی معیار نزد سخن‌گویان گویش‌های فارسی و در نتیجه تلاش برای یادگیری زبان معیار و در مقابل، اعتبار اجتماعی پایین گویش‌های محلی نزد سخن‌گویان فارسی معیار و عدم تمایل برای یادگیری آن‌ها را دلیل فهم یک‌سویه یا «فهم نامتقارن» سخن‌گویان زبان فارسی معیار و سخن‌گویان گویش‌های محلی می‌داند.

اما اکنون با تغییر نگرش عمومی، گونه‌های غیرمعیار زبان‌ها در میان پژوهش‌گران به موضوع مورد توجه تبدیل شده‌اند. این تغییر را در کشوری با تنوع زبانی و گویشی قابل توجه مثل ایران، که زبان فارسی تهران به عنوان گونه معیار پذیرفته شده است، می‌توان در تعداد نسبتاً فراوان پژوهش‌های گویش‌شناختی، انجام پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و رساله دکتری، انتشار مقالات متعدد در نشریات حوزه زبان‌شناسی، انتشار نشریات تخصصی مطالعات گویش‌شناختی و همچنین برگزاری همایش‌های متمرکز روی مطالعات گویش‌شناختی (از جمله نخستین همایش ملی زبان‌ها و گویش‌های مناطق مرزی ایران) مشاهده کرد. جدول (۱) نشریات فارسی مرتبط در ایران را با اهدافشان معرفی می‌کند.

¹ nation states

² R. Hickey

³ D. Crystal

⁴ M. Filppula

جدول ۱.

نشریات فارسی مرتبط با مطالعات گویش‌شناسی

عنوان نشریه	صاحب امتیاز	آدرس اینترنتی	اهداف / محورها
دو فصلنامه گویش‌پژوهی	پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری	http://jdr.richt.ir	محورهای علمی آن شامل گویش‌شناسی، رده‌شناسی زبان، تماس زبانی، زبان‌های در خطر است
دوفصلنامه زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان	دانشگاه فردوسی مشهد	https://jlkd.um.ac.ir	انتشار مقالات اصیل و باکیفیت در تمام شاخه‌های اصلی زبان‌شناسی و همچنین شاخه‌های بین رشته‌ای آن؛ انتشار مقالات مرتبط با گویش‌های خراسان
دوفصلنامه زبان‌شناسی و گویش‌های ایرانی	دانشگاه شیراز	https://jill.shirazu.ac.ir	انتشار مقاله‌های علمی پژوهشی در تمام حوزه‌های مربوط زبان‌شناسی و گویش‌شناسی زبان‌های ایرانی؛ انتشار مقاله‌هایی برای انعکاس ابعاد مختلف گویش‌های و لهجه‌های مربوط به زبان‌های ایرانی
دو فصلنامه زبان فارسی و گویش‌های ایرانی	دانشگاه گیلان	https://zaban.guilan.ac.i I	مطالعه، تحقیق و شناخت علمی زبان فارسی و گویش‌های ایرانی از جنبه‌های گوناگون و چاپ دستاوردهای نوین پژوهشگران در این حوزه
مجله مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران	دانشگاه رازی	https://jlw.razi.ac.ir	پیش‌برد پژوهش درباره زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران؛ مطالعه زبان‌ها و گویش‌های متنوع منطقه غرب ایران از جمله کردی، هورامی، لری، لکی، ترکی و فارسی

از نظر روش پژوهش نیز تغییر مشابهی در تحقیقات علمی در مورد گویش‌ها رخ داده است. این امر تا حدی به دلیل پیشرفت‌های اخیر در روش‌های مورد استفاده در تحقیقات گویش‌شناسی است. ظهور روش‌های کامپیوتری امکان مطالعه پایگاه‌های اطلاعاتی بسیار بزرگ‌تری را نسبت به تحقیقات سنتی گویش‌شناسی فراهم کرده است. همچنین، روش‌های برگرفته از مطالعات حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و تنوع‌گرایانه، به شدت به علاقه عمومی مطالعات گویش افزوده و آن‌ها را بیش از پیش از ذهنیت «جمع‌آوری پروانه‌ها» دور کرد که اغلب با گویش‌شناسی سنتی مرتبط است. چارچوب‌های نظری زبان‌شناختی جدید منبع الهام دیگری برای گویش‌شناسی در عصر حاضر است: زبان‌شناسی اجتماعی، رده‌شناسی زبان، زبان‌شناسی شناختی، تحلیل گفتمان و کاربردشناسی دیدگاه‌های تازه‌ای در مورد مسائل قدیمی ارائه و خطوط کاملاً جدیدی از تحقیقات مانند گویش‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی عامیانه و گویش‌شناسی ادراکی را باز کرده‌اند.

بر همین اساس، پژوهش حاضر در نظر دارد با اتخاذ رویکرد تنوع‌گرا و بر مبنای این باور که نام‌ها صرفاً کارکردی ارجاعی ندارند، بلکه حاوی اطلاعاتی در مورد تنوعات جغرافیایی و اجتماعی هستند، میان‌رشته‌ای «گویش‌شناسی اسامی خاص» را معرفی کند تا مسیر جدیدی را در حوزه گویش‌شناسی و مطالعات نام‌شناسی

پیش روی محققان قرار دهد. این حوزه پژوهشی جدید نه تنها از نظر موضوع پژوهش و داده‌های مورد استفاده که به اسامی خاص محدود می‌شوند، متفاوت است، بلکه از نظر روش پژوهش نیز به گردآوری و توصیف صرف داده‌ها بسنده نمی‌کند و باید بتواند با کندوکاو در گوناگونی‌های جغرافیایی و اجتماعی مشاهده‌شده در نام‌ها، بررسی تأثیرات زیست‌بوم بر نام‌گذاری، توجه به نقش استعاره و مجاز از منظر زبان‌شناسی شناختی در نام‌گذاری و بررسی مسائل هویتی و جنسیتی، شاخه‌های دیگر زبان‌شناسی از جمله زبان‌شناسی اجتماعی، زبان‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی زیست‌محیطی و ... را نیز درگیر کند. البته باید اعتراف کرد در یک مقاله نمی‌توان به همه این اهداف دست یافت و هر کدام از جنبه‌های معرفی‌شده در این پژوهش می‌تواند مبنای تحقیقی مستقل قرار گیرد. لذا، پژوهش حاضر، بالاجبار، به توصیف و ارائه یافته‌های تحقیق با تمرکز روی گویش سورانی و به ویژه گونه‌های بانهای و سردشتی جهت مشخص نمودن مسیر و معرفی چشم‌اندازی برای پژوهش‌های آتی بسنده می‌کند.

گویش‌شناسی اسامی خاص می‌تواند به طور متمرکزتر و تخصصی‌تر در رابطه با اسامی خاص به لحاظ گوناگونی جغرافیایی، از نظر تنوعات اجتماعی، از نظر تغییرات تاریخی، از منظر جنسیتی و هویتی، از لحاظ ساخت‌واژه و ... بر موضوعاتی از این جمله تحقیق کند:

- گوناگونی تلفظ اسامی افراد در میان سخنگویان یک زبان خاص
 - تنوع جغرافیایی در نام‌گذاری در زبانی خاص
 - نام‌گذاری استعاره/مجاز بنیاد در زبانی خاص و تأثیرپذیری از زیست‌بوم
 - گذاشتن القاب و به کار بردن نام مستعار برای افراد
 - مکان‌نام‌ها (اسم اماکن) و نحوه تلفظ نام پدیده‌های طبیعی از جمله کوه‌ها، تپه‌ها، دره‌ها، صخره‌ها، چشمه‌ها، رودها، غارها و سکونت‌گاه‌ها شامل روستاها و «کوخ»^۱
 - نام‌گذاری حیوانات اهلی
- هرچند تمرکز این پژوهش، به دلیل گستردگی موضوع، بر موارد فوق است، می‌توان جنبه‌های هویتی و جنسیتی نام‌ها، اسامی مشاغل، خیابان‌ها، کوچه‌ها، محلات و ... را در جوامع زبانی مختلف باهم مقایسه کرد.

۱ «کوخ»، (در زبان کردی koX یا qox) در اشاره به سکونت‌گاه‌ها، در کردی سورانی به یک خانه متعلق به خانواده‌ای گسترده اشاره دارد که در زمین متعلق به آن خانواده معمولاً در مناطق کوهستانی احداث شده است. گاهی با افزایش جمعیت آن خانواده گسترده و ازدواج فرزندان، تعداد خانه‌ها به چند خانه افزایش پیدا می‌کند ولی همان عنوان کوخ همچنان به کار می‌رود.

۲. پیشینه پژوهش

از آنجایی که پژوهش حاضر با معرفی و بر مبنای میان‌رشته‌ای «گویش‌شناسی اسامی خاص» و با نگرشی متفاوت انجام شده است، تا جایی که نگارنده اطلاع دارد نخستین پژوهش در این چارچوب است. احمدی (۱۳۹۶) به مسئله نام‌گذاری در کردی سورانی با تمرکز بر نام افراد بر مبنای زبان‌شناسی اجتماعی شناختی پرداخته است. اما، در پژوهش حاضر بنا بر این بوده است اسامی خاص (شامل نام افراد، نحوه تلفظ نام افراد، لقب‌گذاری افراد، نام‌گذاری حیوانات، نام اماکن طبیعی و دست‌ساخت انسان)، همچون شاخصی برای بررسی گوناگونی زبانی، به عنوان داده‌هایی در گویش‌شناسی استفاده شود. هدف نشان دادن گوناگونی در انتخاب و کاربرد نام‌های خاص از منظرهای متفاوت است که می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آتی فراهم نماید.

۳. روش‌شناسی

روش انجام پژوهش در تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌های تحقیق به صورت میدانی و با کمک افراد مطلع ساکن در روستاهای مختلف شهرستان‌های بانه و سردشت، دهیارها و معلمان برخی از روستاها و نیز در مواردی با استفاده از اطلاعات و شم زبانی نگارنده گردآوری شده‌اند. به منظور یافتن معانی برخی از نام‌ها و واژگان کردی از فرهنگ کردی «هه‌بنانه‌بورینه»، تألیف عبدالرحمن شرفکندی استفاده شده است.

۴. تحلیل داده‌ها

یافته‌های تحقیق در بخش‌هایی از این جمله ارائه می‌شوند:

۱. گوناگونی جغرافیایی نام‌گذاری و نوع نام انتخابی
۲. گوناگونی جغرافیایی در تلفظ نام یکسان
۳. نام‌گذاری استعاره‌بنیاد در کردی سورانی
۴. لقب‌گذاری^۱ برای افراد
۵. نام‌گذاری حیوانات
۶. نام‌گذاری اماکن طبیعی و سکونت‌گاه‌ها

¹ nicknaming

۱. گوناگونی جغرافیایی نام‌گذاری

گویش‌شناسی نام‌ها با مبنا قراردادن تنوع‌های جغرافیایی نحوه نام‌گذاری افراد می‌تواند به هدف استخراج درصد فراوانی نام‌ها در مناطق مختلف و نوع نام‌های انتخابی و به ویژه تأثیرپذیری از زیست‌بوم و محیط پیرامون و مقایسه آن‌ها با همدیگر در محدوده‌های جغرافیایی مختلف انجام شود و به عنوان یکی از مبانی و شاخص‌های مورد استفاده در گویش‌شناسی مورد استفاده قرار گیرد. این مسئله، با توجه به گستردگی حوزه جغرافیایی منطقه مورد مطالعه و نیاز به بررسی گسترده، اما با آمار دقیق‌تر فراوانی نام‌ها در شهرها و روستاهای مختلف مناطق سورانی‌نشین، بایستی به صورت پژوهشی جداگانه و در گستره جغرافیایی وسیعی انجام پذیرد. با این وجود، با توجه به این‌که نگارنده خود، گویشور سورانی ساکن این منطقه است (زاده شهر بانه و ساکن شهر سقز) و با توجه به ارتباطات کاری و همچنین ارتباط خویشاوندی و دوستی با افراد زیادی در شهرهای اطراف^۱ داده‌های محدودی را گردآوری کرد که با وجود حجم کم‌شان، نکاتی را در راستای استفاده از تنوع نام‌گذاری در مطالعات گویش‌شناختی آشکار ساخت که می‌تواند مبنایی برای کار پژوهش‌گران در آینده باشد.

برخی از نام‌ها در شهرستان‌ها یا مناطق خاصی (بیش‌تر) کاربرد دارند و به عبارتی نام شخص حاوی اطلاعات جغرافیایی مربوط به زادگاه شخص است. به‌عنوان مثال، ازجمله تفاوت‌هایی که در گونه‌های زبانی سردشت به چشم می‌خورد، در نوع نام‌های به کار رفته برای افراد در سردشت است: نام‌هایی مثل پیروت /pirot/، هومر /homær/، وسو /wusu/، بابکر /babækır/، مَمَد /mæmənd/، باییز /bayiz/ (اکثراً)، خدر /xidır/ (اکثراً). در بوکان فراوانی نام جعفر در متولدین دهه ۱۳۵۰ و قبل از آن زیاد است. نام «نوش» (دهه ۱۳۵۰) تنها در داده‌های بوکان دیده شد. در سقز، نام‌هایی مثل مرتضی، علیرضا، مهدی، بهروز و بهزاد، به‌ویژه از دهه ۱۳۴۰ به تدریج وارد پیکره نام‌های مورد استفاده شدند. استفاده از نام‌های مرتضی، محسن، علیرضا و مهدی، می‌تواند به دلیل وجود پادگان ارتش و حضور کادر ارتش و خانواده آن‌ها در شهر و همچنین تأثیر رسانه تلویزیون و فیلم و سریال‌های پخش‌شده در آن زمان باشد.

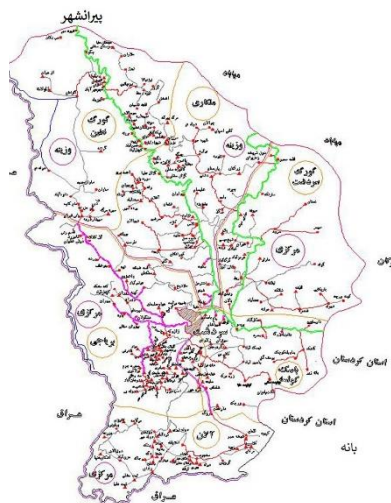
۲. گوناگونی جغرافیایی در تلفظ نام یکسان

داده‌های این بخش حاوی نام‌های افراد در گونه‌های سردشتی و بانه‌ای است که در آغاز به نحوه ادای نام‌ها در گونه سردشتی پرداخته و سپس تنوعات تلفظ نام‌ها در گونه بانه‌ای ارائه می‌شود.

^۱ نگارنده از سال ۱۳۸۰ سابقه تدریس در دانشگاه‌های آزاد و پیام نور شهرهای بانه، بوکان، مهاباد، سردشت، میوان، دیواندره، و سنندج را دارد و با دانشجویانی از این شهرها در ارتباط بوده است.



نقشه ۲. شهرستان بانه



نقشه ۱. شهرستان سردشت

۱-۲. گونه سردشتی

شهرستان سردشت با جمعیت ۱۱۸،۸۴۹ نفر، در جنوب غربی استان آذربایجان غربی واقع شده، از شمال به شهرستان پیرانشهر، از جنوب به بانه، از شمال شرق به مهاباد و از شرق به بوکان و از غرب به اقلیم کردستان عراق محدود است.

جدول ۲.

تبدیل همخوان سایشی حلقی بی‌واک [h] به همخوان سایشی حلقی واگدار [ʁ] (واگدارشدگی) در گونه سردشتی

نام خاص	گونه سردشتی	نام خاص	گونه سردشتی	نام خاص	گونه سردشتی
احمد	ʔæʁmæd	حسین*	ʁusen	رحیم	ræʁim
محمد	miʁæmmæd	حسن	ʁæsæn	حامد	ʁamid
محمود	mæʁmud	رحمان	ræʁman	حبصه	ʁabsæ

* در مورد اسم حسین، در تفاوت با تلفظ معمول این اسم در کردی سورانی یعنی ʁisæin تغییرات دیگری نیز صورت می‌گیرد:

- تبدیل واگه پیشین کوتاه [i] به واگه پسین کوتاه [o]:

- تبدیل واگه مرکب [æi] به واگه [e]

در گونه سردشتی، تبدیل [h] به [ʁ] در واژگان غیر از اسم خاص نیز مشاهده می‌شود: نا‌حالی (naʁali)، طراحی (tæraʁi)، حمال (ʁæmmaʁ)، یا در hæwʁe → ʁæwʁe به معنی حیاط.

جدول ۳.

تبدیل همخوان سایشی حلقی واکنار [ʁ] به همخوان سایشی حلقی بی‌واک [h̥] (بی‌واک‌شدگی) در گونه سردشتی

اسم خاص افراد	گونه سردشتی	اسم خاص افراد	گونه سردشتی
علی	hæli	عزت	hezæt
عبداله	hæwla	عباس*	hæbas
عثمان	husman	جعفر**	ʃæfhar
عمر	humbær	عصمت	hismæt

* در مورد اسم خاص «عباس»، همخوان سایشی چاکنایی [h] به کار رفته است، نه همخوان سایشی حلقی بی‌واک [h̥].

** در مورد «جعفر»، علاوه بر تبدیل [ʁ] به [h̥]، جابجایی در توالی همخوانی از [hf] به [fh] نیز صورت گرفته است. این جابجایی نیز در کاربرد واژگان عادی روزمره نیز مشاهده شد: فقط (fætæq)، تفاوت (tæwafit)

تبدیل [ʁ] به [h̥] مختص نام افراد نیست و در واژگان غیر از اسم خاص نیز در گونه سردشتی مشاهده می‌شود: علم (hilm)، معلم عربی (mihalimi hærabī)، معده (mæhidæ).

۲-۲. گونه بانهای

شهرستان بانه با جمعیت در حدود ۱۶۵,۲۰۰ نفر در استان کردستان قرار دارد و با شهرهای سردشت و سقز همجوار بوده و با اقلیم کردستان عراق هم‌مرز است. بررسی نحوه تلفظ نام‌های افراد نمایانگر وجود تنوع و گوناگونی در گونه بانهای و تفاوت‌هایی با دیگر گونه‌های کردی سورانی است. این تنوعات در جدول‌های (۴) تا (۱۰) نشان داده می‌شود.

جدول ۴.

حذف همخوان پایانی [d]

نام خاص	گونه بانهای	نام خاص	گونه بانهای	نام خاص	گونه بانهای
احمد	ʔæhmæ	سعید	sæʔi:	مجید	mæji:
محمد	mihæmmæ	خورشید	xurʃi:	رشید	ræʃi:
محمود	mæhmu	حامد	hami:	عبدالحمید	ʔæwolhæmi:

این قاعده حذف همخوان پایانی [D] در مورد عابد، واحد، ماجد، حمید، و وحید صدق نمی‌کند.

جدول ۵.

تبدیل واکه پیشین کوتاه بسته [i] به واکه پیشین بلند بسته [i:]

نام خاص	گونه بانهای	نام خاص	گونه بانهای
حامد	ħamid	خالد	xalid
عابد	ʕabid	صابر	sabir
ماجد	majid	واحد	wahid

جدول ۶.

حذف همخوان لثوی [D] و جایگزینی با نیم‌واکه [Y] و تبدیل واکه پیشین کوتاه بسته [i] به واکه پیشین باز [AE]

نام خاص	گونه بانهای
قادر	qayær
نادر	nayær

تبدیل [d] به [y] در نمونه‌های غیر اسم خاص نیز دیده می‌شود:

koradæ (تره کوهی) → korayæ

fazadæ (شاهزاده) → fazayæ

bægzadæ (بیگزاده) → bægzayæ

bidære (به او بده) → biyære

فرایند دیگری که در گونه بانهای مشاهده می‌شود حذف همخوان چاکنایی مابعد واکه در نام‌ها و کشش جبرانی واکه در کردی سورانی و گونه بانهای است که در دو دسته و در قالب دو جدول (۷) و (۸) معرفی می‌شود.

جدول ۷.

حذف همخوان چاکنایی مابعد واکه در نام‌ها

نام خاص	گونه بانهای	نوع تغییر
ظاهر	zay:i:r	حذف همخوان سایشی چاکنایی [h] و درج نیم‌واکه [y] تبدیل واکه پیشین کوتاه بسته [i] به واکه پیشین بلند بسته [i:] کشش جبرانی پس از حذف همخوان سایشی چاکنایی
طاهر	tay:i:r	حذف همخوان چاکنایی سایشی چاکنایی [h] و درج نیم‌واکه [y] تبدیل واکه پیشین کوتاه بسته [i] به واکه پیشین بلند بسته [i:] کشش جبرانی پس از حذف همخوان چاکنایی

حذف همخوان سایشی چاکنایی [h] و جایگزینی با [y] در گونه بانهای را در نمونه‌های غیر اسم خاص، از جمله در ادای کلمه شاهد به صورت [ʃayid] می‌توان یافت.

جدول ۸.

حذف همخوان چاکنایی مابعد واکه در نام‌ها و کشش جبرانی واکه

نام خاص	گونه بانهای	نام خاص	گونه بانهای	نام خاص	گونه بانهای
بهزاد	be:zad	مهران	me:ran	شهباز	ʃa:baz
بهروز	be:ruz	بهرام	ba:ram	مهدی	me:di
بهنام	be:nam	شهناز	ʃa:naz	مهری	me:ri

طبق مطالعات انجام‌شده، حذف همخوان چاکنایی بعد از واکه در گویش سورانی (علی‌نژاد و صدیق زاهدی، ۱۳۸۸) و گونه‌های دیگر از جمله در کردی کلهری (فتاحی، ۱۳۹۹) و در گونه کرمانشاهی (احمدی ورمزانی و فتاحی، ۱۳۹۸) روی می‌دهد.

جدول ۹.

تغییر در هجای آغازین

نام خاص	گونه بانهای	نوع تغییر
یوسف	wesif	تبدیل هجای آغازین yu به we؛ تغییر شبیه قلب است اما در عین حال، نیم‌واکه [y] به واکه [e] و واکه [u] به نیم‌واکه [w] نیز صورت می‌گیرد.
یونس	wenis	تبدیل هجای آغازین yu به we؛ تغییر شبیه قلب است اما در عین حال، نیم‌واکه [y] به واکه [e] و واکه [u] به نیم‌واکه [w] نیز صورت می‌گیرد.
عثمان	wæsmæn	تبدیل هجای آغازین us به wæs. این تبدیل احتمالاً در آغاز ناشی از قلب همخوان آغازین [ʃ] با واکه [ʊ] و تبدیل واکه [ʊ] به نیم‌واکه [w] در جایگاه آغازین و متعاقب آن به دلیل سختی ادای ترکیب حاصل از آن، [ʃ] حذف گردیده و بعد از نیم واکه، یک واکه متناسب، یعنی [æ]، قرار گرفته است.
هوشنگ	wɛʃæŋ(g)	تغییر در هجای آغازین hu به we
هوشیار	wuʃyar	تغییر در هجای آغازین hu به we

تبدیل هجای آغازین yu به we در نمونه‌های غیر از اسم خاص از جمله در تلفظ یونجه به صورت wenjæ و رادیو به صورت radwe نیز دیده می‌شود. در گونه بانهای ساده‌سازی‌ها و مخفف‌سازی‌هایی رخ می‌دهد که برخی شاخصه همین گونه هستند و در گونه‌های دیگر کم‌تر دیده می‌شوند.

جدول ۱۰.

مخفف‌سازی نام‌ها

نام خاص	گونه بانهای	نام خاص	گونه بانهای	نام خاص	گونه بانهای	نام خاص	گونه بانهای
محمد	ħæmæ	اسماعیل	simæ	خدر	xilæ	امین	minæ
محمود	xolæ	مصطفی	mitʃæ	احمد	æħæ	قادر	qalæ
ابراهیم	bilæ	صالح	salæ	رشید	ræʃæ	سعید	sæʃa
						ابوبکر	ʃæbu: bækrae

ویژگی مشترک تقریباً همه نمونه‌های ساده‌سازی‌شده، ختم به واکه پیشین باز [æ] است.

نمونه دیگری که در راستای ادعای این مقاله می‌تواند دلیلی برای استفاده از گوناگونی تلفظ اسامی خاص و به ویژه اسامی افراد در مطالعات گویش‌شناختی باشد، اسم مرتضی است. این اسم در مناطق روستایی خاصی در شهرستان سقز، در روستاهای مسیر سقز به مریوان که به بخش سرشیو شناخته می‌شود، متحمل دگرگونی جالب توجهی هم در آواها و هم در توالی آن‌ها می‌شود:

morteza → mitirza

- حذف واکه [o] بعد از همخوان [m] آغازین

- جابجایی یا قلب در توالی همخوانی rt

- درج واکه [I] بین این دو همخوان

در این تغییر ساختار هجایی این اسم نیز متحمل تغییر می‌شود:

mor.te.za (cvc+cv+cv) → mi.tir.za (cv+cvc+cv)

این نحوه ادای اسم مرتضی شاخصی برای مردم منطقه برای شناسایی و تشخیص بومی بودن در روستاهای سرشیو سقز است. جابجایی آوایی در نمونه‌های غیر اسم خاص نیز در این گونه دیده می‌شود:

hæywan → hæwyar

در این جا نه تنها توالی همخوان‌های yw که اولی همخوان پایانی هجای آغازین و دومی همخوان آغازین در هجای دوم است به توالی wy تغییر یافته است، بلکه تبدیل همخوان پایانی [n] به [r] نیز صورت گرفته است. اکثر روستاییان این منطقه حتی بعد از مهاجرت به شهر، این شیوه تلفظ را حفظ کرده‌اند.

۳. نام‌گذاری استعاره‌بنیاد در کردی سورانی

ساخت برخی از نام‌های کردی مبتنی بر استعاره‌هایی است که عمدتاً برگرفته از طبیعت پیرامون و زیست‌بوم مردم کرد است و البته رگه‌هایی از اساطیر ایران باستان نیز در آن‌ها یافت می‌شود. زیست‌بوم کردها منطقه‌ای کوهستانی با جلوه‌های طبیعی فراوان در دسترس است و حتی زندگی در شهرها هم کرد شهرنشین را از طبیعت جدا نکرده است. در کل، در جدول‌های (۱۱) و (۱۲) نام‌های استعاره‌بنیاد در چند استعاره بنیادی دسته‌بندی شدند که مبنای استعاره‌های فرعی برگرفته از طبیعت، شامل گل و گیاه و حیوانات (حوزه مبدأ)، نور و روشنایی، اجرام آسمانی، طبیعت کردستان (کوهستان، آبشار و ...) و پدیده‌های طبیعی هستند.

مفهوم‌سازی‌های کردها در ساخت نام اشخاص، تا حدود زیادی ریشه در زیست‌بوم، جغرافیا، و تجربه زیسته آن‌ها، تاریخ و اسطوره‌های‌شان دارد. مفهوم‌سازی‌ها تفاوت در جنسیت را نیز آشکار می‌سازند، به‌گونه‌ای که عمدتاً نام‌های مربوط به جنس مؤنث از توجه و اهمیت‌دادن به

- ظرایف و زیبایی‌های طبیعت پیرامون (گل و گیاه و میوه‌های زیبا و خوش‌رنگ)،
- زندگی (ژیان)،
- منبع حیات (آب در باران، کانی)،
- باد به عنوان حامل ابر باران‌زا (نام‌های سرو، زیران، شنه)
- نور و روشنایی (رژین، رژینا، سیویل، روناک) و آغاز روشنایی (گزینگ)،
- امید به آینده (بیان، کازیوه)،
- گرمای خورشید به‌واسطه سرد و کوهستانی بودن منطقه (رژیتاو)،

حکایت دارد، به‌گونه‌ای که «زن» بیش‌تر به صورت منبع زندگی، نور، روز، گرمی زندگی و روشنایی و پاک و زلال بودن و دارای ظرافت و زیبایی مفهوم‌سازی شده است. در عوض، مفهوم‌سازی زیربنای نام‌های پسرانه به استواری، استحکام، مقاومت، منبع قدرت و... اشاره دارد که در معنای کوه در زبان کردی نهفته است.

همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهند، تعداد قابل توجهی از نام‌های مورد استفاده در کردی بر مبنای استعاره‌های برگرفته از طبیعت پیرامون ساخته شده‌اند که برخی از آن‌ها در جدول‌های (۱۱) و (۱۲) دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۱۱.

نام‌گذاری استعاری در نام‌های دخترانه

نام	آوانویسی	معنی	قلمرو معنایی	استعاره بنیادین: طبیعت پیرامون انسان است. حوزه مبدأ: طبیعت پیرامون	حوزه مقصد: انسان
کژال	kæzał	آهو	ظرافت و زیبایی		
قُمری	qumri	قمری	ظرافت و زیبایی		
چنار	ʃinar	چنار	درخت، سرسبزی، زندگی		
چنور	ʃinur	گیاهی خوشبو	گیاه، حیات، سرزندگی، طراوت		
شیلان	ʃilan	نسترن کوهی	گل، زیبایی و ظرافت		
نسرين	næsrin	گل نسرين	گل، زیبایی و ظرافت		
گزینه	gæzizæ	گل اول بهار	گل، زیبایی و ظرافت		
هَلاه	hælałæ	آلاه	گل، زیبایی و ظرافت		
لاولاو	lawlaw	لبلاب، پیچک	گل، زیبایی و ظرافت		
پرشنگ	pirʃiŋg	شعاع خورشید	نور و روشنایی		

استعاره بنیادین: طبیعت پیرامون انسان است. حوزه مبدأ: طبیعت پیرامون حوزه مقصد: انسان			
نام	آوانویسی	معنی	قلمرو معنایی
تروسکه	tɪruskæ	درخشش	نور و روشنایی
هتاو	hætaw	آفتاب	نور و گرما
کازیوه	kaziwæ	فجر	نور، امید، آغاز روشنایی
گزینگ	gɪzɪŋg	اولین تابش آفتاب	نور، امید، آغاز روشنایی
تریفه	tɪrɪfæ	مهتاب	نور و روشنایی، زیبایی
رژا	roʒa	خورشید/روز	نور و روشنایی
رژان	roʒan	خورشید/روز	نور و روشنایی
رژین	roʒɪn	خورشید/روز	نور و روشنایی
بیان	bæyan	صبحدم	نور و روشنایی، امید
روناک	runak	روشن	نور و روشنایی، امید
سیویل	siwæyl	ستاره سهیل	اجرام آسمانی، نور
گلاوېژ	gælaweʒ	ستاره شعرا/مرداد	اجرام آسمانی، نور
ترزه	tærzæ	تگرگ	پدیده‌های طبیعی، آب
باران	baran	باران	پدیده‌های طبیعی، منبع زندگی
شپول	ʃæpɒl	موج	پدیده‌های طبیعی، زیبایی، آب
شونم	ʃæwnɪm	شب‌نم	پدیده‌های طبیعی، زیبایی، آب، طراوت
کویستان	kwestan	کوهستان	طبیعت، سرزمین، زیبایی
کانی	kani	چشمه	طبیعت، منبع زندگی
کانیا	kaniya	چشمه + ل	طبیعت، منبع زندگی
استعاره بنیادین: زندگی انسان است. حوزه مبدأ: زندگی حوزه مقصد: انسان			
ژیان	ʒiyan	زندگی	زندگی
ژینا	ʒina	زندگی + ل	زندگی
ژینو	ʒino	زندگی + و	زندگی
آژین	?aʒɪn	زندگی	زندگی

جدول ۱۲.

نام‌گذاری استعاری در نام‌های پسرانه

استعاره بنیادین: زندگی انسان است. حوزه مبدأ: زندگی حوزه مقصد: انسان			
نام	آوانویسی	معنی	قلمرو معنایی
ژیهاٲ	ʒihat	زندگی؟	زندگی
ژیوار	ʒiwar	زندگی	زندگی
استعاره بنیادین: طبیعت پیرامون انسان است. حوزه مبدأ: طبیعت پیرامون حوزه مقصد: انسان			
شاهو	ʃaho	نام کوه	طبیعت، بلندی، صلابت
زمناکو	zɪmnako	نام کوه	طبیعت، بلندی، صلابت
سامرند	samrænd	نام کوه	طبیعت، بلندی، صلابت

نام	آوانویسی	معنی	قلمرو معنایی
زاگرس	zagros	زاگرس	طبیعت، بلندی، صلابت
چیا	ʃiʔa	کوه	طبیعت، بلندی، صلابت
ساکو	sako	کوه	طبیعت، بلندی، صلابت
آکو	?ako	کوه بلند	طبیعت، بلندی، صلابت

۴. لقب‌گذاری برای افراد

لقاب و اسامی مستعار نشان می‌دهند که دیگران چگونه به شخص نام‌گذاری شده نگاه می‌کنند و چه دیدی نسبت به وی دارند. علاوه بر این اطلاعاتی در مورد ساختار اجتماعی جامعه زبانی مورد نظر و دیدگاه گویشوران نسبت به همدیگر یا به فردی خاص به دست می‌دهد. لقب‌گذاری، برخلاف نام‌گذاری، با محدودیتی روبرو نیست: اگر نام فرد را تنها والدین یا افرادی از خانواده می‌توانند انتخاب کنند و برای این انتخاب عوامل مختلفی را از جمله مقبولیت نام، باورها و علایق شخصی، عرف و آداب و رسوم اجتماعی، دیدگاه‌های ایدئولوژیک و... را مد نظر قرار می‌دهند، در لقب‌گذاری محدودیتی وجود ندارد. لقب ممکن است بر اساس ویژگی‌های ظاهری، رفتاری، سوابق و پیشینه شخصی یا خانوادگی بر شخص خاصی گذاشته شود و چنان در میان جامعه یا اجتماع خاصی گسترش یابد که فرد لقب‌گذاری شده فقط با این عنوان شناخته شود. به عنوان مثال، در روستایی در بانه، برخی از اشخاص دارای لقب‌های خاصی بودند. لذا، اگرچه چند نفر دارای اسم «کریم» بودند، «کریم تازه» به آن «کریم» که اخیراً به آن روستا مهاجرت کرده بود اشاره داشت و صرفاً برای او به کار می‌رفت.

جدول (۱۳)، حاوی برخی از این القاب به کاررفته در داخل شهر و روستاهای بانه است. لازم به ذکر است، اگرچه گذاشتن این القاب با تغییرات اجتماعی دهه‌های اخیر در مواردی روندی کاهشی داشته است و تنها برای افرادی که در گذشته این القاب را داشته‌اند به کار می‌رود، موردی که اخیراً روی داده بود نشان داد این فرایند هنوز ادامه دارد: فردی که اخیراً به روستایی نقل مکان کرده است به خاطر سرزیر بودن وی، بلافاصله به «علی مظلوم» معروف شده است، یعنی لقب‌گذاری بر مبنای مشخصات رفتاری فرد انجام می‌گیرد. بنابراین، این امر در گویش‌شناسی اجتماعی نیز می‌تواند مورد توجه پژوهشگران باشد.

جدول ۱۳.

القاب افراد در شهرستان بانه

لقب	معنی	مبنای نام‌گذاری	محل استفاده
ræhim polis	رحیم پلیس	این فرد، پس از رفتن به دوره خدمت اجباری، هنگام بازگشت به روستا، لباس سربازی ژاندارمری آن زمان را به تن داشته است.	روستایی از توابع بانه بین بانه و سردشت
ʃæwla qatʃæ	عبداله پایی	فرد دارای پاهای بزرگ که کفشی به اندازه پایش پیدا نمی‌شده است. (مجاز جزء برای کل)	روستایی از توابع بانه بین بانه و سردشت

لقب	معنی	مبنای نام‌گذاری	محل استفاده
xæje bogæn	خدیجه بوگندو	معنای معکوس نام: این زن آن قدر تمیز بوده که هر چیزی را بارها می‌شسته چون احساس می‌کرده بو می‌دهد.	روستایی از توابع بانه بین بانه و سردشت
ħisæinæ fil	حسین فیل	استعاری: برای فردی که بسیار چاق بوده و اتفاقاً راننده کامیون بوده است.	شهر بانه
?amin radwe	آمنه رادیو	استعاری: برای شخص وراجی که از همه چیز خبر داشته است.	شهر بانه
ħæmæ niskæ	محمد عدس	استعاری: برای شخص دورو	شهر بانه
qalæ wof̄tir	قادر شتر	استعاری: بخاطر قد بلند و اندام نامتناسب	شهر بانه
ræħman ?isfãt	رحمان آسفالت	مجازینیاد: شغل فرد قیروگونی کردن بوده است	شهر بانه
?æħnæ dællak	احمد دلاک	مجازینیاد: شغل فرد آرایشگری بوده است	شهر بانه
?æli næwti	علی نفتی	مجازینیاد: شغل فرد توزیع نفت بوده است	شهر بانه

۵. نام‌گذاری حیوانات

مسئله جالب توجهی که نیاز به مطالعه‌ای گسترده در مناطق مختلف و در بین زبان‌ها و گویش‌ها و گونه‌های متنوع ایران دارد، نام‌گذاری حیوانات اهلی از جمله سگ، گاو، گوسفند، بز و حتی ماکیان است. در مناطق روستایی و به ویژه در روستاهایی که اقتصاد خانواده بر مبنای پرورش حیوانات و فروش محصولات لبنی استوار است، حیوانات بخش مهمی از زندگی انسانی را تشکیل می‌دهند و به ویژه زنان بخاطر شیر دوشیدن، ارتباط نزدیک‌تر و بیش‌تری با حیوانات شیرده دارند. در کردی سورانی، زن شیردوش «بیری» [beri] نامیده می‌شود که معمولاً هنگام دوشیدن شیر حیوانات، بخصوص شیر گاوها، با خواندن آواز، با حیوان اهلی ارتباط عاطفی برقرار می‌کند و مشاهده شده است که یک گاو خاص فقط به یک زن مشخصی اجازه دوشیدن شیر را می‌دهد.

در چنین شرایطی، نام‌گذاری حیوان و گذاشتن نام خاص برای یک حیوان مشخص توجه‌پذیر می‌نماید. از آنجایی که تعداد گاوها معمولاً از تعداد گوسفندان یا بزها کم‌تر است و همچنین بز و گوسفند بیش‌تر خرید و فروش می‌شوند و مدت زمان کم‌تری به یک خانه و خانواده تعلق دارند، نام‌گذاری بیش‌تر برای گاوها به کار می‌رود. مگر این که گوسفند یا بز خاصی به لحاظ شکل ظاهری یا موارد دیگر در بین حیوانات گله برجسته و شاخص باشد. غالباً رنگ یا خصوصیات ظاهری مبنای نام‌گذاری حیوانات قرار می‌گیرد. نکته مهم در مورد جدول (۱۴) این است که منظور از نام حیوان، اسم خاص برای حیوان خاصی بوده است و منظور این نیست که مثلاً *manga zærd* (به معنی گاو زرد) برای هر گاو زردرنگی استفاده می‌شود. هرچند ممکن است همین نام در چند روستا و توسط خانواده‌های متفاوتی برای نام‌گذاری گاوی با مشخصات مشابه به کار رفته باشد.

جدول ۱۴.

نام‌گذاری حیوانات اهلی

نوع حیوان	نام حیوان	معنی و مبنای نام‌گذاری
سگ	borbor	رنگ حیوان: bor به معنی خاکستری
سگ	ʃeræ	استعاره: سگ (به لحاظ ظاهر و قدرت همچون) شیر است.
گاو	ziba	مشخصه زیبایی، ziba همچنین اسم زنانه است.
گاو	kaʔe	مشخصه ظاهری، kaʔe برای رنگ متمایل به سفید
گاو	hæyran	به معنی عاشق و واله
گاو	dʒæyran	جیران (نام زنانه)
گاو	qæʃan	مشخصه ظاهری، گاو پیشانی سفید
گاو	gameʃ	استعاره: گاو (به اندازه) گامیش (بزرگ) است.
گاو	bæræbæræ	مشخصه رفتاری، به معنی اندک‌اندک و نرم‌نرمک، چون این گاو آرام و آهسته راه می‌رود.
گاو	ʃilan	استعاره: ʃilan همچنین اسم زنانه و به معنی نسترن کوهی است.
گاو	limo	مشخصه ظاهری: برای گاو به رنگ زرد کم‌رنگ مثل لیمو
گاو	bælæk	مشخصه ظاهری، به معنی گاو دورنگ (سیاه و سفید)
گاو	maŋga zærd	مشخصه ظاهری: به معنی گاو زرد که البته برای قهوه‌ای روشن به کار می‌رفته است.
گاو	maŋga bor	مشخصه ظاهری: گاو خاکستری
گاو	maŋga sur	مشخصه ظاهری: گاو حنایی
بز	qotæ	مشخصه رفتاری: چابک و پرتحرک
بز	poʃæ	مشخصه ظاهری: بز سفید سیاه گوش
بز	biznæ xæʃe	بز خدیجه، دلیل این نام‌گذاری علاقه شدید دختر خانواده به نام خدیجه به این بز بوده که چون همیشه با آن بازی می‌کرده و در روستا این دو را غالباً همراه هم دیده‌اند در تمام روستا به این نام مشهور بوده است و همین علاقه باعث شده صاحب این بز از فروش آن خودداری کند و مدت زیادی در روستا مانده است.

۶. نام‌گذاری اماکن طبیعی و سکونت‌گاه‌ها

در نام‌گذاری مکان‌های طبیعی، مجاز، استعاره، مجاورت، مشخصات طبیعی، نام اشخاص مهم و... مبنای قرار گرفته است.

جدول ۱۵.

نام‌گذاری اماکن طبیعی

مکان	نام خاص مکان	معنی و مبنای نام‌گذاری
کوه	du:zin	دو زین: ظاهری شبیه دو زین اسب در کنار هم (استعاری)
کوه	qælaræf	سیاه‌قلعه: کوهی با صخره سیاه بزرگ در قله آن (مجاز جزء برای کل)
کوه	fjilfæmæ	در اصل به معنای چهل رودان؛ در نقشه به صورت چهل چشمه ثبت شده است: کوهی با جویبارهای فراوان (مجاز جزء برای کل)
کوه	mazwan-ban	کوه مازوجها (مجاز جزء برای کل)
کوه	hæwtæwanan	هفت برادران، نام کوهی بین بانه و سردشت است که به گفته اهالی محل، گویا هفت برادر در آن‌جا در حمله اعراب با رشادت جنگیده و جان خود را فدا کرده‌اند. (نام‌گذاری مکان بر اساس رویداد: رویداد برای شیء)
کوه	qolæ tæzan	کوهی در حوزه شهرستان بانه و بین بانه و سردشت؛ به روایت اهالی روستاهای مجاور احتمالاً «قله آتشفگاه» و tæzan شکل تغییر یافته و کوتاه‌شده آتشدان بوده است. (مجاز جزء برای کل)
کوه	gakır	شکل تغییر یافته gacıq به معنی محل تلف شدن گاوها (بخاطر سرما)؛ نام‌گذاری بر اساس رویداد تلف شدن حیوانات از سرمای شدید هنگام گذر از این کوه که دهان به دهان داستان آن نقل شده و هنوز در خاطر مردم منطقه مانده است. (نام‌گذاری مکان بر اساس رویداد: رویداد برای شیء)
تپه	girdæ wæl	شکل تغییر یافته girdæ gæwæl به اسم طایفه «گویلی‌ها» که برای نخستین بار در این منطقه سکنی گزیده‌اند. (نام‌گذاری بر اساس افراد شاخص)
تپه	fex simayil	تپه شیخ اسماعیل، به نام شیخ و سید مشهوری که مقبره‌اش بالای آن تپه بوده است. (نام‌گذاری بر اساس افراد شاخص)
تپه	girdæ fexan	به معنی تپه شیخ‌ها، روبروی تپه شیخ اسماعیل فوق‌الذکر در آرمرده در ۱۵ کیلومتری بانه که این تپه هم مقبرستان بوده است. (نام‌گذاری بر اساس افراد شاخص)
رشته کوه	surkew	سرخ کوه (ویژگی ظاهری)
صخره	bærdæ hæzdiha	صخره اژدها (ویژگی ظاهری، شبیه اژدها)
غار	konæ gæwræ	به معنی سوراخ بزرگ غاری در نزدیکی شهر بانه (ویژگی ظاهری)
غار	konæ zringæ	پایین‌تر از غار فوق‌الذکر، به معنی سوراخی که هنگام انداختن سنگ به داخل آن صدای زنگ شنیده می‌شود.
چشمه	kani jælal	چشمه جلال (به اسم فرد)
چشمه	kani mælahma	چشمه ملا احمد (به اسم فرد)
چشمه	kani qælatan	چشمه قلعه‌ها (نام‌گذاری بر اساس مجاورت و پایین‌تر از قلعه)
چشمه	kani næfiran	چشمه نخجیرها (نام‌گذاری بخاطر مشاهده فراوان پرندگانی مثل کبک و کبوتر)

در مورد نام‌گذاری سکونت‌گاه‌هایی مثل روستاها تنوع زیادی به چشم می‌خورد و حتی برخی از نام‌ها به گونه‌ای هستند که باید آن‌ها را ریشه‌یابی کرد: مثل آرمرده (armirdæ)، احتمالاً به معنی مرد مقدس و چیچوران (ƿiƿoran). این مطلب در مورد نام برخی از کوه‌ها نیز صدق می‌کند:

gimo

babos

ʔarbæba

نام تعدادی از روستاها به اسم اشخاص (احتمالاً اولین شخصی که ده را آباد کرده است یا شخصیت مذهبی

معروف) گذاشته شده است:

koxi ʃexæɪslam (کوخ شیخ‌الاسلام)

koxæ rostæm (کوخ رستم)

ʔæhmawa (احمدآباد)

saʃhawa (صالح‌آباد)

yakubawa (یعقوب‌آباد)

ræʃiyawa (رشیدآباد)

bayiziyawa (بایزیدآباد)

پسوند awa به معنی آباد در نام روستاهای زیادی در مناطق سورانی نشین دیده می‌شود. پسوند متفاوت دیگری هست که به اشتباه با این پسوند یکسان گرفته می‌شود و صرفاً در نام روستاهای شهرستان سردشت مشاهده می‌شود، لذا می‌تواند به عنوان شاخصی گوش‌شناختی برای گونه سردشتی به کار رود. آن پسوند هم awe است که ویژه منطقه سردشت و به معنی آب است نه آباد یا آبادی. مثلاً hændawe که روستایی بالاتر از رودخانه سردشت است به معنی بالای یا بالاتر از آب است.

در نام تعدادی از روستاها نیز kani یعنی چشمه دیده می‌شود که به دلیل مجاورت با یک چشمه این

نام‌گذاری انجام شده است. بنانهادن آبادی در کنار یک چشمه معقول و منطقی می‌نماید.

kani-bæn (چشمه‌ون)

kani-gwez (چشمه‌گردو)

kani-hæʔuzæ (چشمه‌آلوچه)

kani-sɪpi (چشمه‌سفید)

kani-ʃolækæ (چشمه‌گنجشک)

kani-kæwæ (چشمه‌خاکستری)

۵. نتیجه‌گیری

مناطق مرزی شمال غرب ایران عموماً کوهستانی هستند و روستاهایی که در مرز بین ایران و کشورهای همسایه غربی، ترکیه و عراق، قرار دارند، غالباً در نواحی صعب‌العبوری واقع شده‌اند و جغرافیای منطقه شیوه زندگی مردم آن مناطق را تحت تأثیر قرار داده‌اند؛ به طوری که از نظر اقتصادی تا حدودی وابسته به گله‌داری و باغداری و بیش‌تر به تجارت مرزی و قاچاق کالا، به ویژه واردات کالاهای قاچاق وابسته هستند. موقعیت جغرافیایی منطقه و عوامل متعدد دیگری از جمله، صعب‌العبور بودن منطقه، می‌تواند به تفاوت‌ها و تنوع‌های زبانی و فرهنگی بیش‌تر بیانجامد. در این صورت، می‌توان ادعا کرد که فرهنگ حاکم بر این مناطق نیز دارای ویژگی‌های متمایزی است و در نتیجه، مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناختی و همچنین بررسی ویژگی‌های زبانی ساکنان این روستاها می‌تواند بر فرهنگ، ویژگی‌های اجتماعی و زبانی ساکنان این مناطق پرتو افکند.

این تنوع و گوناگونی در پژوهش حاضر با تمرکز روی اسامی خاص مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌های تحقیق که در شش بخش ارائه شد، نشان داد که اسامی خاص می‌توانند از جنبه‌های مختلف موضوع و شاخص مورد بررسی در مطالعات گویش‌شناسی باشند.

بنا به بخش نخست یافته‌ها، گوناگونی جغرافیایی نام‌گذاری، تفاوت در الگوهای نام‌گذاری و نوع نام‌های انتخابی می‌تواند به عنوان موضوع جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

در بخش دوم، تفاوت در تلفظ نام افراد در دو گونه سردستی و بانه‌ای، متعلق به گویش سورانی، به وضوح تصویری از تنوع و گوناگونی جغرافیایی را به نمایش گذاشت.

در بخش سوم، که به نام‌گذاری استعاره‌بنیاد اختصاص داشت، نشان داد که بهره‌گیری از مشخصه‌های محیطی و زیست‌بوم گویشوران سورانی در انتخاب نام افراد نقش و جایگاه شایان توجهی دارد.

نقش محیط فیزیکی، زیست‌بوم، و حتی عواملی مثل ارتفاع از سطح دریا و آب و هوا در شکل‌گیری عناصر زبانی، ساختار واژگان و دستور زبان مورد توجه برخی از محققان زبان‌شناسی قرار گرفته است (ساپیر^۱، ۱۹۱۲؛ هولتون^۲، ۲۰۱۱؛ اربن^۳ و موران^۴، ۲۰۲۱؛ اربن، ۲۰۲۳). به گفته ساپیر (۱۹۲)، «بیش از هر چیز دیگری، این واژگان یک زبان هستند که بوضوح محیط اجتماعی و فیزیکی سخن‌گویان آن زبان را منعکس و بازنمایی می‌کنند. در واقع، واژگان یک زبان فهرست پیچیده‌ای حاوی باورها، علایق و دغدغه‌هایی است که توجه گویشوران آن جامعه زبانی را به خود جلب کرده است؛ این فهرست زبانی می‌تواند، تا حد زیادی، تصویری از ویژگی‌های فیزیکی محیط و خصائل و فرهنگ مردمی به دست دهد که آن زبان را به کار می‌برند».

¹ E. Sapir

² G. Holton

³ M. Urban

⁴ S. Moran

بازتاب طبیعت در نام اشخاص را می‌توان در زبان‌شناسی زیست‌محیطی دنبال کرد. زبان‌شناسان زیست‌محیطی چون مولهاسر^۱ (۲۰۰۳) بر این باورند که زبان با جهان و محیط اطراف ارتباط تنگاتنگ دارد. بدین معنی که هم زبان جهان را می‌سازد و هم محیط اطراف ما زبان را می‌سازد. زبان‌شناسی زیست‌محیطی رویکردی جدید به معنی دارد و معنی را حاصل فعالیت‌هایی می‌داند که بین جوامع انسانی و کاربران زبان در محیطی خاص، به طور طبیعی، اتفاق می‌افتد و درک مستلزم ایجاد رابطه متقابل بین این دو است. این دیدگاه که جهان واقعی، تا حد قابل توجهی و به طور ناخودآگاه، با عادات زبانی گویشوران ساخته می‌شود موضوع اصلی پژوهش‌های مربوط به زبان‌شناسی محیطی است (قطره و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳۲).

بخش چهارم، که بیش‌تر می‌تواند از منظر زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی مورد مطالعه قرار گیرد، لقب‌گذاری برای افراد در شهرستان بانه است. این بخش نشان داد استعاره و مجاز می‌توانند در این فرایند نقش داشته باشند. گوناگونی در القاب گذاشته‌شده برای افراد در شهرهای مختلف و حتی در زبان‌ها و گویش‌های مختلف می‌تواند تصویری از ساختار اجتماعی جوامع زبانی گوناگون، و همچنین از منظر زبان‌شناختی، از نوع فرایندها و قواعد ساختواری و معناشناختی و حتی واج‌شناختی به دست دهد.

بخش پنجم، به نام‌گذاری حیوانات اهلی، به ویژه در روستاهای تابعه بانه و سردشت، پرداخت تا نشان دهد با بررسی این نام‌ها می‌توان جای پای استعاره و مجاز را در این نام‌گذاری یافت. به همین دلیل، این بخش نیز نه تنها اطلاعات گویش‌شناختی را در اختیار ما قرار می‌دهد بلکه می‌تواند از چشم‌انداز زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی نیز مورد کندوکاو قرار گیرد.

بخش ششم، به نام‌گذاری اماکن طبیعی و سکونت‌گاه‌ها، تخصیص یافت. این بخش به نوع نام‌های انتخابی در حوزه‌های جغرافیایی شهرستان‌های بانه و سردشت پرداخت. با توجه به حجم زیاد داده‌های مرتبط با این بخش، انجام تحقیقات جداگانه در مناطق جغرافیایی مختلف و مقایسه زبان‌ها و گویش‌های متفاوت ایران زمین توصیه می‌شود.

به طور کلی، نظر به داده‌ها و یافته‌های تحقیق و جداول ارائه‌شده در این نوشتار، می‌توان میان‌رشته‌ای «گویش‌شناسی اسامی خاص» را به عنوان سرشاخه جداگانه‌ای که از دل آن شاخه‌های پژوهشی مختلفی در می‌آید، پذیرفت و بدین ترتیب مسیرهای پژوهشی تازه‌ای پیش روی محققان زبان‌شناسی، به ویژه زبان‌شناسی تنوع‌گرا، قرار می‌گیرد. البته دایره موضوعات مورد مطالعه می‌تواند از شش حوزه پیشنهادی فراتر رود و موارد دیگری را نیز از جمله جنبه‌های هویتی، جنسیتی، تنوعات در نام مشاغل، خیابان‌ها، کوچه‌ها، محلات، و تفاوت در نام‌گذاری افراد در مناطق مرزی با گونه‌های مرکزی‌تر و به ویژه گونه استاندارد در بر گیرد.

¹ P. Mühlhäuser

منابع

- احمدی، بهزاد (۱۳۹۶). بررسی نام‌های خاص در کردی سورانی بر مبنای زبان‌شناسی اجتماعی شناختی. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه پیام نور.
- احمدی‌ورمزانی، سمیرا، و مهدی فتاحی (۱۳۹۸). تحلیل مورایی کشش جبرانی در گوشش فارسی کرمانشاهی. *مطالعات زبان‌ها و گوشش‌های غرب ایران*، ۷(۲)، صص. ۱-۱۵.
- شرفکندی، عبدالرحمن (۱۴۰۰). فرهنگ کردی-فارسی «هه‌نانه‌بورینه»، تهران: سروش.
- شعبانی، منصور (۱۳۹۹). تمایز میان زبان و گوشش: بررسی وضعیت گونه گیلکی. *زبان‌پژوهی*، ۱۲(۳۷)، صص. ۱۲۱-۱۴۸.
- علی‌نژاد، بتول، و محمد صدیق زاهدی (۱۳۸۸). تحلیل مورایی کشش جبرانی واکه در گوشش کردی سورانی. *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱(۱)، صص. ۲۷-۴۶.
- فتاحی، مهدی. (۱۳۹۹). حذف همخوان‌های چاکنایی در نام‌ها در کردی کلهری. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گوشش‌های غرب ایران*، ۱(۳۱)، صص. ۴۵-۵۶.
- قطره، فریبا، حمیده پشتوان و مهناز طالبی (۱۳۹۴). رویکرد زیست‌محیطی در پژوهش‌های زبان. *زبان‌شناخت*، ۶(۱۱)، صص. ۲۳۱-۲۴۳.

- Crystal, D. (2008). *A dictionary of linguistics and phonetics*. Oxford: Blackwell.
- Filppula, M., J. Klemola, M. Palander & E. Penttilä (2005). *Dialects Across Borders. 11th International conference on methods in dialectology (Methods XI), Joensuu, August 2002*. Amsterdam: Amsterdam.
- Hickey, R. (2018). Dialectology, philology, and historical linguistics. In C. Boberg, J. Nerbonne, & D. Watt (Eds.), *The handbook of dialectology* (pp. 23–38). Oxford, UK: Wiley-Blackwell.
- Holton, G. (2011). Differing conceptualizations of the same landscape: The Athabaskan and Eskimo language boundary in Alaska. In D. M. Mark, A. G. Turk, N. Burenhult, & D. Stea (Eds.), *Landscape in language: Transdisciplinary perspectives* (pp. 225–260). Amsterdam: John Benjamins.
- Mühlhäuser, P. (2003). *Language of environment, environment of language: A course in ecolinguistics*. London: Battlebridge.
- Sapir, E. (1912). Language and environment. *American Anthropologist*, 14, 226-242.
- Urban, M. (2023). Foggy connections, cloudy frontiers: On the (non-)adaptation of lexical structures. *Front. Psychol.*, 14:1115832.
- Urban, M., & S. Moran (2021). Altitude and the distributional typology of language structure: Ejectives and beyond. *PLoS One*, 16(2):e0245522.